

متن کامل کتاب مرد روزگاران نوشته ی علی مدرس به صورت الکترونیکی در آمده است تا قابل دسترس برای همگان باشد. فرم الکترونیکی کتاب اندکی خلاصه، ویراستاری و به روز شده است. تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب متعلق به نشر هزاران می باشد. در صورت استفاده از کتاب به عنوان منبع ذکر نام ناشر الزامی است. لطفن از الگوی زیر استفاده کنید:

علی مدرس، مرد روزگاران: مدرس شهید نابغه ی ملی ایران، تهران: نشر هزاران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

مرد روزگاران: مدرس شهید نابغه ی ملی ایران

علی مدرس

تشکیل دولت موقت و مذاکرات مدرس با دولت عثمانی

(ویراستاری شده در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۹۳)

تشکیل دولت موقت، اولین دولت آزاد، و نقش مدرس در ایام مهاجرت

(صفحه ی ۶۸ کتاب مرد روزگاران)

مهاجرین از راه اراک و ملایر، بدون رفتن به همدان، خود را به کرمانشاه رساندند و در آنجا دولت آزادی تشکیل دادند و مرحوم نظام السلطنه مافی را به عنوان نخست وزیر انتخاب کردند. دولت موقت موفق شد قشونی از ایلات، ژاندارم ها، و داوطلبان تشکیل دهد که به مقابله با قوای اعزامی روس بپردازند. ولی قوای عثمانی که در همدان متمرکز بود بخاطر فشار قشون روسیه ناچار به عقب نشینی شد. عثمانی ها از تشکیل دولت موقت در کرمانشاه بسیار شوک زده و ناراضی بودند ولی مخالفت خود را ابراز نکردند. زیرا دولت عثمانی، که کمترین ادعایش تصاحب آذربایجان و زهاب بود و مرزهای زهاب را طوری تعریف می کرد که شامل همدان و ملایر هم می شد، به خیال خود آن مناطق را عملاً تصاحب کرده بود. و اگر جنگ به نفع متحدین تمام می شد تمام آن منطقه تحت نفوذ عثمانی ها باقی می ماند. اما با نبوغ دولتمردان ایران دولت موقت تشکیل شد و دولت آلمان هم آن را به رسمیت شناخت و حمایت کرد و پولی هم برای اداره ی امور دولت موقت و قشون تشکیل شده پرداخت کرد. به این ترتیب عثمانی ها حضور خود را در خاک ایران بی نتیجه دیدند. از طرف دیگر، متفقین بخش هایی از خاک عثمانی را تصرف نمودند و حاکمان حجاز و سوریه هم به دولت عثمانی پشت کردند. حتا، شریف حسین، حاکم حجاز، با متفقین قراردادی بست و به نفع آنان وارد جنگ شد. و دولت انگلیس به عراق حمله کرد و اعلام نمود

که ما تعهد کرده ایم امپراطوری عرب تشکیل شده از عراق، سوریه، و حجاز را به سلطنت شریف حسین رسمیت بخشیم. در این میان، رفته رفته مخالفت عثمانی با ایران و دولت موقت علنی تر شد و قتل عده ی زیادی از سربازان ایرانی نتیجه ی خیانت آنان به ایران بود. سید حسن مدرس در این مورد گفته بود که اگر عثمانی ها با ایران صمیمیت داشتند به کمک سربازان ایرانی، که تاب مقاومت در برابر قشون روس را نداشتند، می شتافتند و در گوشه و کنار کوه ها و دره ها به مقابله با روس ها می پرداختند و با قتل سربازان روس، راندن قشون روسیه به سمت قزوین و عقب نشاندنشان کاملاً امکان پذیر می شد.

عثمانی ها گرفتاری داخلی در دربار را بهانه قرار دادند و بتدریج از خاک ایران عقب نشینی کردند و بدین ترتیب از مستحکم تر شدن دولت موقت ایران هم کاستند. از طرف دیگر، دولت عثمانی آلمان ها را تحریک کرد که دست از حمایت مالی ایران بردارد یا بدون عقد قرارداد رسمی و اخذ رسید به دولت موقت ایران پولی پرداخت ننماید. مدرس، بعنوان رییس عدلیه و اوقاف دولت موقت، از اخذ قرارداد رسمی یا صدور رسید برای پول پرداخت شده خودداری کرده بود تا در آینده دولت آلمان نتواند ایران را مجبور به پس دادن این پول کند یا از لحاظ مالی صدمه ای به دولت مرکزی در تهران و در نتیجه ایران وارد شود. مدرس به افسران آلمانی گفته بود که ما با جان خود و شما با پول خود با هم با دشمن مشترک می جنگیم. ولی اگر شما مایل نیستید شما به تکلیف خودتان رفتار کنید و ما هم هر چه صلاح دیدیم انجام می دهیم. در آن زمان قوای روسیه از راه قم به اصفهان و اراک وارد شد. از طرف همدان نیز روس ها قوای جمع شده توسط دولت موقت و عثمانی ها را، که توسط صاحب منصبان آلمانی رهبری می شدند، درهم شکستند. خطر به کرمانشاه و دولت موقت نزدیک تر می شد. اعضای دولت موقت بناچار همراه با سربازان عثمانی به طرف بغداد حرکت کردند و در آنجا دسایس عثمانی ها تشکیلات منظم دولت موقت را در هم ریخت. عده ای از آزادی خواهان به ایران برگشتند. عده ای در کربلا، نجف، و کاظمین پنهان شدند، و مدرس به همراه عده ی اندکی به استانبول رفت.^۱

حسین مکی در مورد تشکیل دولت موقت تحقیقات کاملی به عمل آورده است. ایشان در کتاب تاریخ بیست ساله ی ایران، جلد اول، در مورد تشکیل کابینه ی موقت می نویسد:

قوای روسیه ی تزاری به قصد تسخیر بغداد تا قصر شیرین، آخرین نقطه ی مرزی ایران، پیش رفتند. ولی در آنجا از ارتش عثمانی شکست سختی خورده تا آوج (بین همدان و قزوین) به عقب رانده شدند. موقعی که قوای روسیه ی تزاری کرمانشاهان و همدان را تخلیه کردند و تا آوج عقب نشستند مهاجرین ملی گرا دوباره در کرمانشاهان جمع شدند و هیئت دولت موقت تحت ریاست نظام السلطنه مافی را تشکیل دادند. این هیئت بنام دولت مستقل موقت (سال ۱۲۹۶ ه.ش.، ۱۹۱۷ م.، ۱۳۳۵ ق.ه.)، اعضاء کابینه ی خود را به این شرح اعلام کرد:

۱ نظام السلطنه مافی، رییس هیئت دولت موقت (رییس الوزرا)

۲ سید حسن مدرس، وزیر عدلیه و اوقاف (مدرس همزمان ریاست مهاجرین را هم بر عهده داشت)

۳ ادیب السلطنه سمیعی، وزیر کشور

۴ عباس میرزا سالار لشکر فرمانفرمایان، وزیر جنگ

۵ میرزا قاسم خان سور، وزیر پست و تلگراف

۶ عزالملک اردلان، خزانه دار

۷ محمد علی کلوپ (فرزین)، وزیر دارایی

کابینه ی مزبور در کرمانشاه باقی ماند تا زمانی که انگلیس با قوای عثمانی در بین النهرین درگیر و تلفات سنگینی به عثمانی ها وارد شد. ارتش عثمانی ناگزیر بغداد را تخلیه و از راه سوریه به استانبول عقب نشینی کردند. مهاجرین ایران هم همراه با ارتش عثمانی عازم استانبول شدند. مدت این مهاجرت حدود دو سال بطول انجامید. مدرس علاوه بر سمت وزارت در دولت موقت، در استانبول با رجال عثمانی ملاقات داشت و با دولت عثمانی وارد مذاکره شد که شرح آن خواهد آمد.

مذاکرات مدرس با رجال سیاسی دولت عثمانی

(صفحات ۶۹ تا ۷۵ کتاب مرد روزگاران)

سید حسن مدرس پس از ورود به استانبول دچار عسرت و بی پولی شد ولی بخاطر مناعت طبع به کسی برای کمک روی نیاورد. افسران آلمانی هم پس از ورود به بغداد یک مرتبه مفقودالثر شدند و از حمایت اعضای دولت موقت دست کشیدند. مدرس در مدرسه ی ایرانیان استانبول شروع به تدریس کرد و در زمان اقامت در استانبول با حقوق کمی که به وی میدادند امرار معاش نمود.

۱ ملاقات مدرس با سلطان محمد خامس، پادشاه دولت عثمانی

پس از چند روز که از ورود مدرس و جمعی دیگر به استانبول گذشت سلطان محمد خامس مدرس را برای مذاکره به باغ دله باغچه دعوت نمود. در این ملاقات قاضی القضاة، بزرگترین و قدرتمندترین روحانی دربار عثمانی، نیز حضور داشت. مدرس در ساعت مقرر در قصر حاضر شد و با سلطان محمد خامس ملاقات کرد. پس از اتمام تشریفات مقدماتی، ابتدا قاضی القضاة شروع به مذاکره نمود و قضیه ی اتحاد اسلامی و تشکیلات حزب اتفاق و ترقی را، که شعبه ای هم در ایران داشتند، مطرح نمود. مدرس لزوم اتحاد اسلامی را تایید و منتهای آمال خود معرفی کرد و از وجود حزب اتفاق و ترقی اظهار بی اطلاعی کرد. قاضی القضاة شرحی از مضرت های وجود دولت های کوچک اسلامی، که به تنهایی قادر به حفظ خود در مقابل دول مسیحی نیستند، اظهار نمود، و در باب منافع تشکیل یک دولت معظم اسلامی سخن گفت. مدرس قسمت اول را تایید و قسمت دوم را غیر عملی خواند. مدرس تاکید کرد که چنین دولتی ممکن نیست تشکیل شود مگر به تصدی حضرت علی ابن ابیطالب (ع)، جد گرامی من. زیرا در زمان خلفاء سه گانه راشدین اولیه هم با انجام از خود گذشتگی که در مدت تصدی خود ابراز داشته اند، باز بین مردم عرب و نژادهای دیگر از قبیل ایرانی، مصری، قبطی، و ترک قواعد ملل غالب و مغلوب حکم فرما گردید. فقط حضرت امیر (ع) بود که می خواست تمام مسلمانان را برابر بداند و عرب را بر سایر اقوام ترجیح ندهد، و خلافت دنیای اسلامی را تشکیل دهد. ولی قوم عرب فوراً به دسایسی از قبیل جنگ جمل و صفین و نهروان روی آوردند و در مقابل او قرار گرفتند و مانع پیشرفت و نهضتش شدند. آیا حضرت قاضی القضاة از نژاد ترک یا نژادهای دیگر انتظار بیشتری از قوم عرب دارد یا مقصود استعمار سایر ملل جهان است؟

سلطان محمد خامس بحث آزادی، تجدد، و اختلاف بین مشروطه و استبداد را پیش کشید و اظهار داشت که ملت ایران هنوز زود است به مشروطه نایل شود به این دلیل که اختلاف عقیده ی مردم علاوه بر اینکه مانع پیشرفت امور کشور شده امنیت را هم در سراسر کشور مختل کرده است. وی اضافه کرد که شما در حکومت مشروطه ی ایران آن طور که باید و شاید کاری انجام ندادید.

مدرس در پاسخ گفت که خیر، چنین نیست که می فرمایید. دولت مشروطه ی ما پیشرفت شایانی کرده است و تشکیلات اداری خود را اصلاح کرده است. ما یک اداره ی پستخانه تاسیس کردیم که با تمام دنیا ارتباط بین المللی دارد و هیچ دولتی در داخله ما دیگر پست خانه ندارد و ناچار است مراسلات و مراجعات سیاسی خود را به پست خانه ی ما رجوع دهد و خود فقط برای امور سیاسی خود پیک سیاسی داشته باشد. ولی حق ندارد به نام ارسال مرسولات اتباع خود یک شعبه ی رسمی پستی و در واقع اداره ی جاسوسی هم داشته باشد. و حال آنکه در استانبول، مرکز خلافت اسلامی، هر دولتی

جداگانه پستخانه تاسیس کرده است و با برخی از کشورها که در آنجا پستخانه ای ندارند نمی شود مراسلات و محمولات پستی ردوبدل کرد. اعلیحضرت سلطان تصدیق خواهند فرمود که امور کشوری الاهم فالاهم دارد. ۱. ایجاد پستخانه و ارتباط با ملل عالم فوق العاده مهم است و در کشور حکم شریان و اعصاب را در بدن انسان دارد. بدیهی است متدرجا به رفع نواقص دیگر خود اقدام خواهیم کرد. کشور ما ابدًا از طرف ایرانیان عدم رضایت و ناامنی نسبت به مشروطه ندارد و این همسایگان هستند که به واسطه ی حفظ موازنه ی سیاست خودشان یا تحصیل و تأمین منافع خود و یا طمع به خاک ما این تشبثات را ایجاد می کنند و دامن میزنند. ۲.

مدرس به پادشاه اظهار کرد که من معذرت می خواهم که به صراحت صحبت می کنم. چه، ما روحانیون در زمان حکومت استبداد هم در ایران آزاد صحبت می کردیم و هیچ قیودی برای ما در کار نبود. من نیز پس از استبداد در زمان حکومت مشروطه به علت آنکه نماینده ی مجلس شورای ملی بودم آزاد صحبت می کردم. از این رو در اینجا هم بیانات خود را آزادانه اظهار می نمایم. مقصود از مهاجرت ما ایرانیان به این کشور این است که دولت عثمانی مذاکره ی الحاق قسمتی از خاک آذربایجان به خاک عثمانی را موقوف نماید تا شاید در موضوع صمیمیت بین برادران مسلمان ایرانی و ترک مذاکراتی به عمل آوریم. ۳.

--- پاورقی ها ---

- ۱ در درجه ی اول اهمیت یا درجه ی دوم اهمیت
- ۲ کنایه های مدرس به دولت عثمانی اشاره به قرارداد دولت عثمانی با با چهار دولت انگلیس، فرانسه، ایتالیا، و آلمان بود که برای آنان حق تاسیس پستخانه قایل شده بودند و تا زمان تشکیل دولت ترکیه ی جدید این حق برجا بود.
- ۳ صورت مذاکرات مدرس با سلطان محمد خامس در آرشیو کتابخانه ی استانبول موجود است. متأسفانه نگارنده تا کنون به متن کامل مذاکرات دسترسی نداشته است. خلاصه ای که در بالا آورده شده است نقل از مجله ی تاریخ اسلام، شماره ی ۲۸، دوره ی سوم، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۸ می باشد.

۲ ملاقات مدرس با هیئت وزرای دولت عثمانی

مدرس در این سفر با پرنس سعید حلیم پاشا، وزیر کشور، طلعت پاشا، که مدتی بعد صدر عظم شد، انور پاشا، وزیر جنگ، و تعدادی دیگر از اعضای کابینه نیز ملاقاتی داشت. ۱ مدرس پس از ورود به اتاق بجای اینکه بر روی مبل بنشیند بر روی زمین نشست و وزیران نیز برای ادای احترام مبل ها را ترک گفته بر روی زمین نشستند. ۲ پس از انجام تعارفات اولیه طلعت پاشا دستور داد که چای عجمی بیاورید و اضافه کرد که خوب است نظامیان عجم مثل نظامیان دولت عثمانی بشوند. مقصود طلعت پاشا از بکار بردن دولت عجم نه تنها برسمیت نشناختن دولت ایران بود (زیرا دربار عثمانی بجز خود هیچ دولت مسلمان دیگر را برسمیت نمی شناخت) بلکه کلمه ی عجم را برای تحقیر ایرانیان بکار برد. مدرس، که فوراً متوجه مقصود وی شده بود، به احتشام السلطنه، سفیر ایران در عثمانی در دوران جنگ جهانی اول، که بعنوان مترجم و همراه در این ملاقات حضور داشت، گفت: بگوئید که بجای کلمه ی عجم لفظ ایرانی استعمال نمایند. زیرا ماده ی لغوی کلمه ی عجم از عجمه می باشد و اشتقاق آن به کلمات مختلف حاکی از تحقیر نژاد غیر عرب، یعنی حتا ملت ترک و ایران، می باشد. و ما ایرانیان که دارای نوابغ و دانشمندی بودیم که به زبان و تمدن عرب و اسلام خدمات شایانی کرده اند سزاوار نیست که تحقیر شویم. لذا خواهشمندم لفظ عجم را از قاموس زبان خودتان خارج کنید و بجای آن کلمه ی ایرانی را انتخاب فرمایید. عجم با معنی موهنی که دارد بر غیر عرب عنادا اطلاق شده است و عده ای از اعراب متعصب به ایرانیان و اتراک و تاتار را به قصد اهانت عجم گفته اند. ما و شما مشترکا مورد همین اهانت هستیم. و دیگر

آنکه اگر مقصود شما از عجم ایران است باید دولت ایران بفرمایید. پس از ترجمه ی این صحبت، پرنس سعید حلیم پاشا اظهار کرد که شایسته است که لباس سربازان ایرانی و ترک یکسان و متحد الشكل شود. مدرس در پاسخ گفت که خیلی چیزها است که بایست انجام شود ولی متأسفانه امکان پذیر نیست. من نیز علاقمندم کارهایی انجام شود ولی ممکن نیست. از طرفی، حتا در میان یک دانه گندم هم خطی وجود دارد. ما همین لباسی که داریم خوب است. ولی چقدر بجا بود که صدر اعظم می گفتند بجای اینکه لباس سربازان ایرانی و ترک یکسان و یک شکل شود، برادران ایرانی و ترک یکدل شوند. زیرا ممکن است از حیث لباس هم رنگ بشویم ولی یکدل نباشیم. اگر ما موفق بشویم قلوب تمام ملل عثمانی و مردم ایران را متحد کنیم بمراتب بر اتحاد لباس قشون تر جیح دارد. ۳۰ مقصود از نقل این مقاله ی تاریخی و جالب این است که اظهار نظر افراد صاحب نظر در مورد مهاجرت و سفر مدرس به استانبول آورده شود، زیرا این سفر از لحاظ تاریخی یکی از رویدادهای مهم آن دوره تلقی می شود. علاوه بر آن همانطور که علی اکبر تشید نوشته اند مدرس حقیقتاً یک نابغه ی و قهرمان ملی بود و کمتر کسی جرأت داشت که در دوران جنگ و آشوب جنگ جهانی اول در مقابل افراد پرقدرتی چون پادشاه و صدر اعظم عثمانی و قاضی القضاة، که حتا قدرت داشت حکم قتل خلیفه را هم صادر کند، بدون ترس چنین اظهاراتی کند و مستقیماً پاسخ تند ولی منطقی بدهد. مدرس بارها بیان کرده بود که من همیشه برای رفتن حاضرم و هر دقیقه ای انتظار کشته شدن را دارم. بیانات او نشان صدق این ادعا است.

----- پاورقی ها -----

- ۱ صورت مذاکرات مدرس با سلطان محمد خامس و هیئت وزرا در آرشیو کتابخانه ی استانبول موجود است. متأسفانه نگارنده تا کنون به متن کامل مذاکرات دسترسی نداشته است.
- ۲ این عمل مدرس را نباید حمل بر کهنه پرستی کرد. بلکه از لحاظ روانشناسی اجتماعی، این عمل قابل تعمق است. مدرس با این عمل کنترل را بدست گرفت، فضای درباری دولت عثمانی را شکست، و زمینه را برای گفتگوی با دولت به نفع ایران آماده ساخت. و در عین حال بر زندگی ساده و بدور از تشریفات یک غیر درباری تأکید نمود.
- ۳ برای مشروح سایر صحبت ها و نظرات مورخین درباره ی سفر مهاجرت و نقش مدرس در این سفر به کتاب تاریخ مشروطه، نوشته ی دانشمند محترم علی اکبر تشید، و صفحات ۳۱ تا ۳۷ مجله ی تاریخ اسلام، شماره ی ۲۸، دوره ی سوم، مورخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۸ رجوع شود.

بازگشت مدرس از مهاجرت

(صفحات ۷۵ تا ۷۷ کتاب مرد روزگاران)

بالاخره جنگ بین المللی اول به پایان رسید و منجر به شکست آلمان ها و دولت عثمانی گشت. امپراطوری قوی و وسیع عثمانی مغلوب و تجزیه شد. در واقع دولت های وقت کشورهای چوچون روس و انگلیس تصمیم به تضعیف و تجزیه ی دولت عثمانی گرفتند تا کنترل بیشتری بر کشورهای آسیایی داشته باشند و یک امپراطوری قوی نتواند بین اروپا و کشورهای تحت کنترل، بخصوص هند، قرار گیرد. هرج و مرجی که پس از جنگ جهانی اول دنیا را فرا گرفت وضعیت سیاسی، اقتصادی و حتا اخلاقی ایران را نیز دگرگون کرد و کشور ما صحنه ی نفوذ بیشتر روس و انگلیس گشت. در این میان، افراد میهن دوستی چون مدرس برای دفاع از کشور خود دچار مشکلات بزرگتری شدند و ایستادگی در برابر کشورهایی که قدرت، پول، و امکانات بسیاری داشتند کاردانی و تهور

بیشتری را می طلبید. مدرس بعد از بازگشت به ایران آماده ی مبارزه ای بزرگتر با دولت های روس و انگلیس شد.

مدرس وارد تهران و خانه و زندگی محقر خود شد، در حالیکه همسر و پسرش در اثر بیماری فوت کرده بودند و چهار فرزند دیگر در نهایت فقر و مشقت روزگار می گذراندند. از آنجایی که مجلس هنوز ایام فطرت خود را می گذرانید، مدرس برای امرار معاش به تدریس در مدرسه ی سپه سالار پرداخت. تولیت مدرسه و مسجد نیز از طرف احمد شاه به وی داده شده بود.^۱ با این حال مدرس خود را از امور سیاسی کنار نکشید.

در آن زمان نجف قلی بختیاری معروف به صمصام السلطنه نخست وزیر بود و ضعف و ناتوانی کابینه ی او، بخصوص در حفظ امنیت داخلی، نارضایتی مردم را تشدید کرد. مردم در اجتماعاتی که تشکیل میدادند خواستار برکناری وی شدند. مدرس نیز با مردم موافق بود. یک روز که عده ای برای اعتراض در مسجد شاه جمع شده بودند، مدرس همراه با جمعی روانه ی حضرت عبد العظیم شد و در آنجا متحصن گشت. سر انجام مخالفت های مردم منجر به سقوط کابینه ی صمصام السلطنه شد و احمد شاه وثوق الدوله را برگزید. وی بلافاصله به تشکیل کابینه مشغول شد و دولت جدید شروع به کار کرد. البته ضعف و پریشانی ناشی از جنگ از طرفی و ناتوانی دولت از طرف دیگر برخی از چهره های سیاسی را به این فکر انداخته بود که باید دولت مقتدری را بر روی کار آورند که نه تنها اوضاع آشفته را آرام کند بلکه ایران را به سمت ترقی هدایت نماید. مدرس با نخست وزیری وثوق الدوله مخالفتی نداشت تا اینکه موضوع دست نشاندگی او به دولت انگلیس و خیانت وی به ایران و طرح قرارداد ۱۹۱۹ پیش آمد.

----- پاورقی ها -----

۱ در زمان حکومت رضا شاه نیز این فرمان لغو نشد. در واقع تولیت با سلطان وقت است و شاه می تواند نیابت تولیت را به فرد دیگری بدهد.